

سرزمین خاطره‌ها

• دکتر حجت فلاح توتکار

عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین

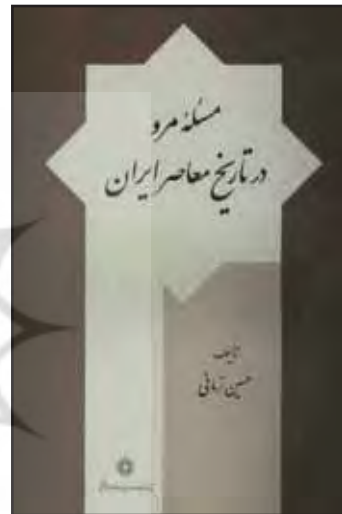
مرز و بوم ایران شد.

این کتاب، از یک مقدمه و سه بخش فراهم آمده است. نگارنده کتاب به‌درستی بر این باور است که در تاریخ دیپلماتیک ایران دوره قاجاریه، سه مسأله اساسی وجود داشت: ۱- مسأله گرجستان ۲- مسأله هرات ۳- مسأله مرو^۱.

در این میان، مسأله مرو توجه بسنده قاجاریه‌ها را به خود جلب نکرد. مرو که از دیرباز تخت‌گاه خراسان بزرگ بود، اندک زمانی پس از عهدنامه آخال از ایران جدا شد. این جدایی زمینه‌ساز سده‌ای در روابط فرهنگی و سیاسی ایران و ماوراءالنهر شد.^۲

بخش اول کتاب درباره جغرافیای تاریخی و پیشینه تاریخی مرو است. بنای شهر با رود مرغاب ارتباط داشت. این رود زمینه‌ساز شکل‌گیری آن شهر شد. مرو محل تلاقی راه‌های مهم منطقه بود. این امر شکوفایی شهر را رقم می‌زد. این ویژگی در عین حال به گاه دوره‌های نامنی انحطاط و ویرانی شهر را سبب می‌شد. ایل‌های کوچنده مدام حیات شهر را تهدید می‌کردند. این دیدگاه وجود دارد که مرو گذرگاه آریاییان به داخل فلات ایران بوده است.

کوروش، بنیان‌گذار امپراتوری هخامنشی، برای بسط حاکمیت و تأمین امنیت مرزی قلمرو خویش و سرکوب اقدام مهاجمان، در واپسین سفر جنگی‌اش بر مرو مسلط شد. از آن زمان این منطقه جزئی از ایالات امپراتوری هخامنشی شد.^۳ منطقه مرو، به‌گاه روی کار آمدن داریوش اول، در حال شورش بود «کشوری مرو نام، آن نسبت به من نافرمان شد». البته داریوش «به‌خواست اهورامزدا» بر شورشیان پیروز شد و «آن کشور از آن» داریوش شد. از آن پس، مرو به عنوان بخشی از سرزمین بزرگ باختر مطیع امپراتوری هخامنشی شد.^۴ در تمامی طول تاریخ ایران باستان، مرو به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر سرزمین ایران تلقی می‌شد. این شهر به عنوان



■ مسأله مرو در تاریخ معاصر ایران

■ حسین زمانی

■ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

چاپ اول، ۱۳۸۴، ۱۹۲ صفحه

کتاب مسأله مرو در تاریخ معاصر ایران، اثر دکتر حسین زمانی، تلاشی درخور برای شناخت تحولات ماوراءالنهر در دوره قاجاریه است. سرزمین مرو یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی ایران زمین است. مرو نه تنها گذرگاه آریاییان به داخل فلات ایران بود؛ بلکه واپسین استقرارگاه مسلمانان برای گذر به آن سوی سرزمین‌ها جهت گسترش اسلام نیز به شمار می‌رفت. این سرزمین خاطره‌ها و یادمان‌های فراوان از ایرانیان داشت. برای مرو در دوره قاجار سرنوشت دیگری رقم خورد. ناتوانی، جهل و بی‌درایتی حاکمان ایرانی و رقابت‌های دو قدرت استعمارگر - روس و انگلیس - زمینه جدایی این منطقه، از کهن



**جغرافی‌نگاران مسلمان از
شهر مرو به عنوان «لشکرگاه
مسلمانان» برای بسط نفوذ
اسلام در ماوراءالنهر یاد
می‌کردند**

شهر آغاز کرد. مأمون خلیفه عباسی با تکیه بر عناصر ایرانی مرو را به مرکز خلافت بدل کرد. پس از مدتی که مأمون مرکز خلافت را به بغداد منتقل کرد، باز مرو خاستگاه عصیان ضد خلافت شد. طاهر بن حسین که از طرف خلیفه در ۲۰۵ هـ ق مأمور اداره خراسان شده بود، در این شهر نام خلیفه را از خطبه انداخت و به نام خود سکه ضرب کرد. این حرکت او باعث شد که مرو به پایتخت نخستین حکومت نیمه‌مستقل ایرانی بدل شود.

با انتقال مرکز حکومت طاهریان از مرو به نیشابور، شهر اهمیت پیشین خود را از دست داد، اما بار دیگر، در دوره حکومت سلطان سنجر سلجوقی، شهر به مرکز حکومت بدل شد.^۵ این شهر تا هجوم مغولان، از شهرهای آباد و پررونق خراسان بزرگ بود. مغولان در اول محرم ۶۱۸ کشتار وسیعی در شهر به راه انداختند. مروزیان استقلال طلب پس از شنیدن آوازه مقاومت جلال‌الدین خوارزمشاه، به قیام بر ضد بیگانگان غارتگر برآمدند. قیام مردم در ۶۱۹ به طرز وحشتناکی سرکوب شد. مرو هیچ‌گاه به رونق قبل از دوره مغول دست نیافت.

در اواخر سده نهم قمری، برخی از طوایف مغول، با نام اوزبکان بر ماوراءالنهر مسلط شدند، سلطه‌ای که بیش از چهار قرن دوام یافت. شکل‌گیری دو قدرت صفویان شیعه‌مذهب در ایران و اوزبکان سنی‌مذهب سبب شد که از این پس نزاع بر سر

منطقه مرزی، حافظ ایران زمین در برابر هجوم اقوام بیابانگرد بود. این موقعیت نظامی مرزی برای همیشه در تاریخ این شهر ماندگار شد.

مرو باستانی، محل قتل واپسین پادشاه ساسانی بود. یزدگرد سوم در ۳۱ هـ ق در این شهر به قتل رسید. حادثه‌ای که سبب شد در تاریخ‌نگاری مسلمین، شهر مرو به خداکش و مروزیان به «خداکشان» نامور شوند.

جغرافی‌نگاران مسلمان از شهر مرو به عنوان «لشکرگاه مسلمانان» برای بسط نفوذ اسلام در ماوراءالنهر یاد می‌کردند. شهر، در عین حال، به دلیل دوری از مرکز خلافت، به عنوان میراث‌دار اسطوره‌های تاریخی ایران‌زمین و مرکز تلاش برای مبارزه با دستگاه خلافت بدل شد. ابومسلم، قیام خود را از این

**قاجارها به واسطه تداخل منافع
امپراتوری‌های بزرگ استعمارگر
اروپا در منطقه آسیا، به بازی
سیاسی خطرناکی کشانده شدند که
از همان ابتدا بازنده بودند**

خراسان، در این دوره به دلیل بینش ایلیاتی و استبداد و خودرأیی حاکمان قاجاری و عدم امکانات نظامی خوب، بیش از هر ایالتی دستخوش هجوم اقوام مهاجم شد. در دوره قاجار، هم‌چنین بر بنیان پیمان‌نامه‌هایی، بخش‌های مهمی از این منطقه تاریخی ایران برای همیشه از ایران‌زمین جدا شد. در آغاز دوره قاجاران، زمان‌شاه در کابل حکم می‌راند. استقلال‌طلبان و میهن‌پرستان مسلمان میسور هند به دنبال ارتباط با او و در تلاش برای جلب همکاری او برآمدند. مقاومت ضدبیگانه میسور به رهبری **حیدرعلی** و فرزندش **تیپوسلطان** رقم خورده بود.^۹ این تلاش مسلمانان هند، استعمارگران انگلیسی را به تکاپو انداخت. **مارکی ولزلی** فرمانده کل هندوستان «دست نیاز به سوی فتحعلی شاه دین‌پناه دراز» کرد.^{۱۰} خطر وجود زمان‌شاه در کابل، برای حاکمان استعمارگر انگلیسی در هند باعث آمد که علی‌رغم سرکوب مقاومت مسلمانان میسور، حکومت انگلیسی در هند، هیأت مهم سیاسی به ریاست **سرجان ملکم** به دربار ایران اعزام کند. **سرجان ملکم** در جمادی‌الاول ۱۳/۱۲۱۵ نوامبر ۱۸۰۰ وارد تهران شد و در ۱۶ نوامبر ۱۸۰۰ نزد فتحعلی شاه بار یافت. مأموریت **سرجان ملکم** برای حکومت انگلیس در هند همراه با موفقیت بود. پس از این مأموریت بود که فتحعلی شاه به **محمود میرزا** برادر شورشی زمان شاه کمک کرد تا بر ضد برادر لشکر کشد. **محمود میرزا** موفق شد با کمک نظامی دولت ایران، زمان شاه، سردار **دلیر** ضد انگلیسی کابل را شکست دهد.^{۱۱} با کشته شدن زمان شاه آن هم با کمک دولت ایران، نه تنها ایران هیچ نفعی نبرد، بلکه با گسترش فتنه و آشوب در مناطق شرقی سبب‌ساز نفوذ بیشتر انگلستان در افغانستان شد و باعث شد که دولت ایران بخشی از مناطق تاریخی‌اش را از دست دهد.

ماوراءالنهر رنگ مذهبی پیدا کند. این صف‌آرایی جدید به تدریج زمینه بنیادین انشقاق ایران و ماوراءالنهر را فراهم آورد و سلطه تاریخی ایران را بر ماوراءالنهر به چالش کشید.^۶ شاه اسماعیل صفوی هر چند در ۹۱۶ ق. بر مرو مسلط شد؛ اما اوزبکان به کرات این شهر را غارت می‌کردند و مروزیان را به اسارت می‌بردند. پس از مدتی، با اقدامات شاه عباس در ۱۰۰۷ هـ.ق، مرو به یکی از امارت‌های بیگلربیگی نشین صفویه بدل شد.

از فروپاشی صفویان تا قدرت‌یابی نادر، ایرانیان تسلطی بر مرو نداشتند. نادر، پس از تسلط بر بخارا و خوارزم و خیوه در ۱۱۵۳ هـ.ق، یکی از سران محلی قاجار، به نام شاه قلی بیگ را حاکم مرو کرد.

نادر در اندیشه احیای اقتصادی مرو بود. او خانواده‌های قاجاری را از دیگر مناطق خراسان به مرو آورد. کشاورزی این منطقه رونق گرفت و شبکه آبیاری شهر بازسازی شد. در نتیجه این اقدامات بود که به قول مورخ عصر نادری - محمد کاظم مروی - مرو، چون «خلد بدین» آراسته شد.

نادر با هدف لشکرکشی به چین می‌خواست از این شهر به عنوان مرکز تدارکات نظامی در پشت جبهه بهره گیرد. دکتر حسین زمانی با گزارش اقدامات نادر، بر این باور است که هدف نادر برای «تبدیل شهر به ناحیه‌ای کشاورزی، بیشتر با اهداف نظامی انجام گرفته است.»^۷

نادر می‌خواست شهر را به انبار غله‌ای برای سپاهیان و محل تدارکاتی پشته جبهه سپاهیان در هجوم به چین قرار دهد. با قتل نادر و آشفتگی در سپاه او، این هدف هیچ‌گاه محقق نشد. قاجاران نیم قرن پس از قتل نادر، به دنبال تسلط بر منطقه برآمدند؛ اما تلاش آن‌ها هم‌زمان با توجه رویکرد دو قدرت استعاریگر به این منطقه بود.

عنوان بخش دوم کتاب، «مرور در دوره قاجاریه» است. نویسنده، در آغاز بحثی درباره جغرافیای طبیعی و ساختار سیاسی - اقتصادی خراسان ارائه کرده است. وی ساختار جمعیتی خراسان را نیز مورد توجه قرار داده و به اختصار به موضع‌گیری هر یک از ایالات ساکن در این منطقه نسبت به حکومت قاجار پرداخته است.

ناهمگونی ایلی موجود در خراسان بزرگ، برای قاجاران مشکلاتی ایجاد کرده بود. نویسنده به درستی بر این باور است که «قاجارها به واسطه تداخل منافع امپراتوری‌های بزرگ استعمارگر اروپا در منطقه آسیا، به بازی سیاسی خطرناکی کشانده شدند که از همان ابتدا بازنده بودند.»^۸

تهدید انگلستان باعث عقب‌نشینی محمدشاه از هرات شد. این عقب‌نشینی نه تنها مسأله هرات؛ بلکه مشکلات نواحی شمال شرقی را نیز لاینحل گذاشت

قاجاران به طور خاص از دوره شاه عباس «به طور موروثی حاکم مرو» بودند. میان ترکمانان و قاجاران ساکن مرو نزاعی درازمدت وجود داشت. در اوایل دوره قاجاریه، هجوم اوزبکان زمینه تضعیف قاجاران را در مرو ایجاد کرده بود. آقامحمدخان قاجار، نامه‌ای به بیگ‌جان حاکم مرو نوشت و مالکیت ایران را تا کرانه‌های جیحون یادآور شد. بیگ‌جان با مطالعه نامه آقامحمدخان مرو را تخلیه کرد. اما مسائل مربوط به گرجستان باعث شد که آقامحمدخان نتواند مسائل خراسان را سامان دهد. در دوره فتحعلی شاه، شاهزاده محمد ولی میرزا پس از ۱۲۲۷ ق روانه مرو شد و محمد کریم‌خان را حاکم مرو کرد. سیاست نادرست این شاهزاده قاجاری خاصه خیانت وی نسبت به سران برخی ایلات، باعث شد که منطقه دچار آشوب شود. تداوم این آشوب‌ها بود که نایب‌السلطنه عباس میرزا در ۱۲۴۷ ق با حکم ولایت خراسان به منطقه آمد. او می‌خواست مانع هجوم اوزبکان و ترکمانان شود. هجوم این اقوام از هرات تا مرو را ناآرام ساخته بود.

عباس میرزا برای هجوم به خوارزم ابتدا، تسلط بر هرات را هدف قرار داد، چرا که تسلط بر راه مهم مرو، تسلط بر راه هرات را طلب می‌کرد. انگلیسی‌ها، پیگیر اقدامات عباس میرزا بودند و از اقدامات او در بسط نفوذ ایران احساس خطر می‌کردند. هنگام اقامت عباس میرزا در خراسان، حاکمان خوقند به ملاقات او آمده بودند. مراجعت عباس میرزا در اواخر ۱۲۴۸ ق و سپس مرگش، کار محاصره هرات را ناتمام گذاشت و بار دیگر زمینه آشوب و نزاع فراهم شد.^{۲۱}

خانات خیوه در تلاش محمدشاه برای تسلط بر هرات، به‌دنبال همکاری با کامران میرزا حاکم هرات بر ضد ایران برآمده بودند؛ اما توسط آصف‌الدوله والی خراسان سرکوب شدند.^{۲۲}

تهدید انگلستان باعث عقب‌نشینی محمدشاه از هرات شد. این عقب‌نشینی نه تنها مسأله هرات؛ بلکه مشکلات نواحی شمال شرقی را نیز لاینحل گذاشت. منازعات نیروهای ایران با خانان خوارزم و بخارا تداوم یافت، در عین حال که فرستادگانی هم رد و بدل شدند. در ۱۲۵۷ هـ ق ترکمانان به قصد غارت به مشهد هجوم آوردند و برادرزاده آصف‌الدوله و برخی همراهان او را به اسارت به مرو بردند. تهدیدات محمدشاه سبب شد که حاکم خوارزم اسرا را آزاد سازد.

محمدشاه، هم‌چنین در ۱۲۵۹ هـ ق فرستاده‌ای نزد حاکم بخارا فرستاد تا زمینه آزادی ژوزف ولف انگلیسی فراهم آورد. سفیر ایران - عباسقلی خان سرتیپ - در مسیر خود به مرو رفت در آن جا بود که «ریش‌سفیدان تکه و ساروق و سالور جمع شده اظهار ارادتمندی و جان‌نثاری نسبت به دولت علیه می‌کردند» آن ریش‌سفیدان به سفیر ایران اعلام کردند «هرگاه بندگان اقدس شاهنشاه اسلام‌پناه روحنا فداه ما را به چاکری و بندگی قبول فرمایند، ما غلام جان‌نثاریم و هر خدمت که از دولت علیه رجوع شود، در انجام آن جان فشانیم»^{۲۳} سفیر ایران، در کنار مسأله آزادی مرد انگلیسی - که بسیار بدگمانی امیر بخارا را برانگیخته بود^{۲۴}، منع خرید و فروش اسرای ایرانی و حاکمیت ایران بر مرو را مطرح کرد. امیر بخارا علت انتخاب حاکم برای مرو را رفع اغتشاش و آشوب در منطقه دانست. او به فرستاده ایران گفت «چه وقت از دولت علیه آدم به ضبط و ربط آن جا آمد که ما ممانعت نمودیم یا رضا به آمدن آن نداشتیم.» او سخن بسیار تأمل برانگیزی به سفیر ایران گفت «تا شهر مرو مثل سابق آباد نشود، نه ترکمان آنجا رعیتی و نه حاکم که از هر جا باشد حکومت تواند کرد»^{۲۵}. دکتر زمانی، نویسنده کتاب به‌درستی متذکر می‌شود که «این موردی بود که حکومت قاجار از زمان استقرار تا جدایی آن سرزمین از ایران متوجهش نشد و یا فرصت چنین عملی را به دست نیاورد»^{۲۶}. فرستاده ایران البته در این مأموریت موفق به آزادی ولف و آزادی حدود هزار نفر از اسرای ایرانی شد. از سوی امیر بخارا نیز نماینده روانه دربار ایران شد.

فتنه حسن‌خان سالار بار دیگر خراسان بزرگ را دچار آشوب ساخت. به گونه‌ای که سالار برای گسترش شورش خود حتی از امیر بخارا طلب یاری کرد، هر چند که امیربخارا پاسخی به دعوت او نداد.^{۲۷}

پس از روی کار آمدن ناصرالدین شاه و قرار گرفتن میرزا تقی‌خان امیرکبیر در پست صدارت عظمای ایران، امیرکبیر،

سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه را در رأس سپاهی برای دفع سالار روانه خراسان کرد. امیر آن فتنه را سرکوب کرد. پس از سرکوب فتنه سالار، امنیت مناطق ترک‌نشین در دستور کار امیر قرار گرفت. در پرتو تلاش امیر، امنیت مناطق شرقی تأمین شد.^{۹۱}

با شکست سالار و آوازه قدرت امیر، آتانایز محرم، از سوی خان خوارزم - محمدامین خان - در ۱۲۶۸ هـ ق با هدایایی به دربار ایران آمد. دولت ایران هم **رضاقلی خان هدایت** را در ۵ جمادی‌الثانی ۱۲۶۸ به سوی دربار خوارزم روانه ساخت.^{۹۲} امیر در کنار اعزام سفیر، اقدامات نظامی هم برای تهدید ترکمانان سرخس انجام داد.^{۹۳} رضاقلی خان هدایت، فرستاده ایران، گزارش مفصلی از منطقه برای دربار تنظیم کرد.

در دوره والی‌گری سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه در خراسان، دولت ایران از نفوذ قابل ملاحظه‌ای در مناطق سرحدی شمال شرقی برخوردار شد. در ۱۲۷۵ هـ ق حسام‌السلطنه از حکومت خراسان عزل شد و آدم بی‌کفایتی چون **حمزه میرزا حشمت‌الدوله** حاکم شد. ناصرالدین شاه در پی شکست هرات، به دنبال این بود که با نبرد نظامی، ترکمانان شرقی را شکست دهد و برای دربار خود اعتباری فراهم سازد.^{۹۴}

از این‌رو، دولت ایران در اواخر ۱۲۷۶ هـ ق، برای سرکوب ترکمانان تکه تصمیم به لشکرکشی گرفت. سپاه عظیمی فراهم آمد. سپاهی که بسیار ناهمگون بود. در ۲۷ صفر ۱۲۷۷ سپاه ایران برای سرکوب ترکمانان به سوی خان کچن محل زندگی ترکمانان حرکت کرد. ترکمانان که امیدی به صلح نداشتند، تصمیم به مقابله گرفتند و خیلی زود آن سپاه عظیم و ناهمگون تصمیم به عقب‌نشینی به سوی مرو گرفت. نیروی ایران از مرو هم عقب نشست. با این اقدام، قشون ایران ضربه سختی متحمل شد. به تعبیر نویسنده کتاب، این رویداد آغازی برای پایان سلطه ایران بر ترکمانان آخال و تکه و سرزمین مرو بود.^{۹۵}

بخش سوم کتاب، به بررسی پیشروی روس‌ها در ماوراءالنهر اختصاص یافته است. روسیه، در اندیشه دستیابی به هندوستان، راه ماوراءالنهر را راهی مهم برای این هدف تلقی می‌کرد. ماوراءالنهر منطقه غنی اقتصادی و تجاری بود، تسلط بر آن منطقه غنی، زمینه شکوفایی اقتصادی روسیه را فراهم کرد.^{۹۶}

روسیه از ۱۸۳۹-۱۸۴۰ میلادی تحرکاتی را در منطقه آغاز کرده بود. آن‌ها دو دهه بعد در ۱۸۶۵ بر تاشکند مسلط شدند و در ۱۸۶۶ شهر خجند را تصرف کردند. **امیر مظفرالدین**، امیر وقت بخارا، در آغاز به دنبال اعلام جهاد و مقاومت در

برابر هجوم روسیان برآمد. اما تلاش‌های او فایده‌ای نداشت. در ۱۸۶۷، روس‌ها با تسلط بر مناطقی از شمال شرقی ایران، ایالت حاکم‌نشین ترکستان روس را تشکیل دادند. روس‌ها در ۱۸۶۸ سمرقند را اشغال و پیمان صلحی را بر امیر بخارا تحمیل کردند.^{۹۷}

حضور روس‌ها، در کرانه‌های دریای مازندران نیز پیشینه داشت. آن‌ها به بهانه مقابله با تهاجم ترکمانان، جزایر آشوراده و حسین‌قلی را اشغال کرده بودند. حضور روس در کرانه‌های دریای مازندران، باعث اعتراض دولت ایران شد. دولت ایران به ایجاد استحكامات روس‌ها در مناطق مرزی ایران معترض بود. روسیه منکر مرز ایران در آن سوی اترک شده بود.

روسیه در ۱۸۷۳ خیوه را فتح کرد. خان خوارزم در پیمانی با دولت روسیه حاکمیت روسیه را پذیرفت. ترکمانان تکه البته هنوز خود را رعایای دولت ایران می‌دانستند. دولت روسیه به دنبال نزاع میان ترکمانان و دولت ایران برآمد. روسیه در عین حال به دنبال لشکرکشی به منطقه و تسلط بر خط ارتباطی آخال برآمد.^{۹۸} نیروهای روسی در ۲ فوریه ۱۸۷۹ به گوگ تپه، مرکز تجمع ترکمانان تکه حمله کردند. ترکمانان گوگ تپه که در آغاز موفقیت‌هایی هم کسب کرده بودند، به دنبال جلب حمایت حاکم بجنورد بودند. حاکم بجنورد در حمایت از آن‌ها اقدامی نکرد. روس‌ها در ژانویه ۱۸۸۱ در نبردی سنگین، مقاومت ترکمانان را درهم شکستند و تلفات سنگینی بر قوای تراکمه وارد ساختند. پس از این سرکوب وحشیانه بود که تزار روس در ۱۸ مه ۱۸۸۱ طی فرمانی، سرزمین‌های ترکمانان تکه را جزئی از امپراتوری روسیه اعلام کرد.^{۹۹}

این رویدادها، زمینه تحمیل عهدنامه‌ای را بر ایران فراهم ساخت. این عهدنامه که **میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک** وزیر خارجه ایران آن را امضاء کرد، به عهدنامه آخال معروف است. عهدنامه آخال در ۲۲ محرم ۱۲۹۹ / ۹ دسامبر ۱۸۸۱ امضا شد و بخش‌های مهمی از سرزمین ایران در شمال شرقی برای همیشه از ایران جدا شد.

پیمان آخال زمینه نهانی تسلط روس‌ها بر مرو را هم فراهم کرد. هرچند پیمان آخال، مرو را شامل نمی‌شد، اما مأموران روسی، پس از استقرار در منطقه آخال، باب مراوده را با مرویان در پیش گرفتند. دولت ایران توجهی به این مراودات نکرد. در ۱۳ ژانویه ۱۸۸۲، برخی از ریش‌سفیدان مرو که هوادار ارتباط با روسیه بودند، در مکتوبی به تزار روس خواستار انضمام مرو به امپراتوری روسیه شدند. به دنبال این درخواست، **ژنرال کمارف** فرمانده روسی و **علی خانف**، مأمور مسلمان روسی که برای

- فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار، ج ۱؛ ۶۰-۱۲۱۱ ق، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۶.
- ۱۴ - عباسقلی خان سرتیپ؛ سفرنامه بخارا (عصر محمد شاه قاجار) ۱۲۵۹-۱۲۶۰ق؛ به اهتمام حسین زمانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۳۰ - دکتر حسین زمانی هنگام چاپ اثر فوق، اطلاعی از نویسنده سفرنامه نداشت؛ اما براساس توضیحاتی که در ص ۸۸ کتاب شبکه مرو (ادوات براساس اطلاعات سفرنامه ژوزف ولف، دریافت که نویسنده سفرنامه بخارا عباس‌قلی خان بوده است.
- ۱۵ - عباسقلی خان سرتیپ؛ سفرنامه بخارا؛ ص ۳۴.
- ۱۶ - همان؛ ص ۳۹.
- ۱۷ - زمانی؛ پیشین؛ ص ۹۳.
- ۱۸ - همان؛ ص ۹۷.
- ۱۹ - همان؛ ص ۱۰۰.
- ۲۰ - هدایت، رضاقلی خان؛ سفارت‌نامه خوارزم؛ به کوشش علی حضوری، تهران، طهوری، ۱۳۵۶، ص ۶ و اقبال آشتیانی، عباس، میرزا تقی‌خان امیرکبیر، به اهتمام ایرج افشار، تهران، توس، چ چهارم، ۱۳۸۵، ۴۶۲-۴۶۳.
- ۲۱ - همان؛ ص ۶۴.
- ۲۲ - زمانی؛ پیشین؛ ص ۱۱۱.
- ۲۳ - همان؛ ص ۱۱۸.
- ۲۴ - از مأموران روسی دو گزارش مهم درباره اوضاع اقتصادی - جمعیتی ماوراءالنهر در دسترس است که با این ویژگی‌ها چاپ و منتشر شد: دکتر پاشینو، سفرنامه ترکستان (ماوراءالنهر)؛ ترجمه مادروس داؤد خانف به کوشش جمشید کیانفر، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲؛ کستنتوکوپیتان اتاماژور؛ شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن؛ ترجمه مادروس داود خانف، تصحیح و تحشیه، غلام‌حسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
- ۲۵ - زمانی؛ پیشین؛ ص ۱۲۹.
- ۲۶ - در این سال‌ها برخی از مقامات دولتی ایران به‌ویژه میرزا حسین خان سپهسالار، وزیر خارجه و ملک‌خان سفیر ایران در لندن، می‌خواستند با کمک انگلیسی‌ها مانع پیشروی روس‌ها در ماوراءالنهر شوند، همان؛ صص ۱۵۳-۱۵۵ و همچنین بنگرید به: نامه‌های تاریخی دوران قاجاریه؛ به کوشش ابراهیم صفائی، تهران، بابک، ۱۳۵۵، صص ۱۹-۲۳.
- ۲۷ - زمانی؛ پیشین؛ ص ۱۴۳.
- ۲۸ - همان؛ صص ۱۵۶-۱۵۷.

بسط نفوذ روسیه تکاپوهای زیادی کرده بود، با نیروی نظامی به مرو حرکت کردند. مقاومت محدود ریش‌سفیدان و سران مروی هوادار ایران و مخالف دولت استعمارگر روسیه هم راه به جایی نبرد و مرو این‌چنین تحت تسلط روسیه درآمد.^{۸۲}

نویسنده فرزانه، در جمع‌بندی اثر خود بر این باور است که جدایی ماوراءالنهر از قلمرو ایران که در دوره ناصرالدین شاه رقم خورد، دلایل عدیده‌ای دارد. سیاست مذهبی صفویان نخستین جدایی‌ها را رقم زده بود. فقدان پیگیری و تلاش دولت‌های ایران برای عمران و آبادانی منطقه، دلیل دیگری بر این جدایی بود. تنازعات و هجوم‌های ایلی در منطقه هم، زمینه آشوب فراهم می‌کرد. شیوه نادرست حکمرانی قاجاریه هم دلیل دیگر بود. بر این هم، دلیل اساسی دیگری را نویسنده به حق مطرح می‌کند و آن رقابت‌های دو دولت استعمارگر روس و انگلیس و مطامع آن دو دولت تجاوزطلب در منطقه بود.

کتاب مرور در تاریخ معاصر ایران اثر مهمی در ماوراءالنهرشناسی است. دکتر حسین زمانی اثری پژوهشگرانه را برای علاقه‌مندان و پژوهشگران ماوراءالنهرشناسی فراهم ساخته است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - زمانی، حسین؛ مسأله مرو در تاریخ معاصر ایران؛ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۹.
- ۲ - همان؛ ص ۱۰.
- ۳ - همان؛ صص ۲۰-۲۱.
- ۴ - شارپ، ولف نارمن؛ فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی؛ شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۶، ص ۴۹-۵۰.
- ۵ - زمانی؛ پیشین؛ صص ۲۴-۲۷.
- ۶ - همان؛ صص ۲۸-۳۰.
- ۷ - همان؛ صص ۳۷-۳۸.
- ۸ - همان؛ ص ۴۹.
- ۹ - درباره مقاومت میسور هند در برابر استعمار انگلستان، بنگرید به نهرو، لعل؛ کشف هند، ج ۱؛ ترجمه محمد تفضلی، تهران: امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۶۱، صص ۴۵۵-۴۵۶؛ و آنتونوا، ک، و دیگران؛ تاریخ نوین هند؛ ترجمه پرویز علوی، تهران، بین‌المللی، ۱۳۶۱، صص ۳۴-۴۹.
- ۱۰ - زمانی؛ پیشین، صص ۵۰-۵۱.
- ۱۱ - همان؛ صص ۵۱-۵۲.
- ۱۲ - همان؛ ص ۷۳.
- ۱۳ - همان؛ ص ۸۵-۸۶؛ در این باره هم‌چنین بنگرید به:

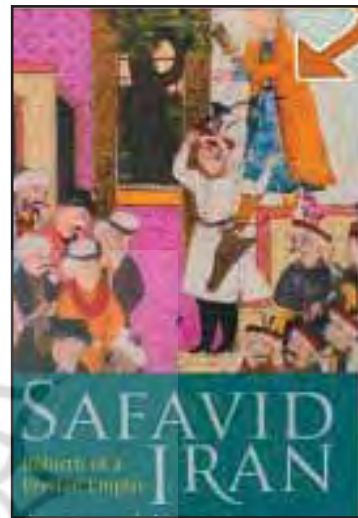
نوزایی ایران

● دکتر کیومرث قرقلو

استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

ساخته است. بدون هیچ اغراقی، حجم رو به رشد بررسی‌ها و مطالعاتی که در مورد مسائل گوناگون دوره صفوی آن اندازه هست که اکنون می‌توان از وجود رشته‌ای مستقل با عنوان «رشته مطالعات صفوی» سخن گفت. یافته‌های موجود در این مطالعات و بررسی‌ها، نیز، دائماً در حال گسترش و افزایش هستند و به ملاحظه همین نکته، تک‌نگاری سیوری که اکنون ترجمه‌ای به فارسی نیز از آن در دسترس هست، دیگر نمی‌تواند کاربردی به شمار آید.

نویسنده کتاب، در مقدمه اثر، بحث خود را با توضیحی مقدماتی پیرامون نحوه شکل‌گیری و گسترش رشته مطالعات صفوی آغاز می‌کند و به تشریح جهت‌گیری‌های اصلی موجود در تحقیقات این رشته می‌پردازد. پس از طرح این مباحث، هدف اصلی خود را از نوشتن کتاب، تلفیق دستاوردهای دو جریان عمده در رشته مطالعات صفوی اعلام می‌کند. با مطالعه متن کتاب، نویسنده علاقه‌مند می‌تواند در مورد توفیق او برای برآوردن این هدف به ارزیابی و داوری بنشیند. مطالعه متن کتاب روشن خواهد ساخت که او، در سراسر مباحث خود، کوشیده است توجهی ویژه به برقراری ارتباط میان دستاوردهای این دو جهت‌گیری اصلی تحقیقاتی در رشته مطالعات صفوی داشته باشد. مطابق استدلال او، دو جهت‌گیری عمده عبارتند از تحقیقاتی که تحولات سیاسی - اجتماعی را در کانون مباحث خود قرار داده‌اند و در رشته مطالعات صفوی از قدمتی حدود یک سده برخوردار هستند؛ و تحقیقاتی دیگر که دگرگونی‌های فرهنگی و هنری دوره صفوی را برجسته ساخته‌اند و از زمان انتشار آن‌ها بیش از چند دهه نمی‌گذرد. این دسته اخیر، اینک، بخش بزرگی از تحقیقات مربوط به رشته مطالعات صفوی را به خود اختصاص داده‌اند و می‌کوشند به مسائلی چون تحولات روابط گروه‌های عقیدتی و نقش گروه‌های حاشیه‌ای جامعه صفوی از قبیل زنان، هنرمندان، روسپیان، غلامان و نویسندگان توجه کنند. نویسنده نسبت به مدل‌واره‌هایی که تاکنون در مطالعه تاریخ دوره صفوی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، دیدگاهی انتقادی دارد؛ ولی، در سراسر کتاب از ارائه یک مدل‌واره جایگزین ناتوان مانده است



- Safavid Iran: Rebirth of a Persian Empire
- Andrew J. Newma
- London, Tauris, 2006. Pp. 281

گزارش حاضر تمرکز خود را بر ارزیابی و نقد محتوای کتابی معطوف ساخته است که، با فاصله حدوداً ربع قرن پس از انتشار کتاب ایران عصر صفوی نوشته راجر مروین سیوری (۱۹۸۰)، می‌توان آن را جدیدترین بررسی به زبان انگلیسی پیرامون تاریخ عمومی کل دوره حدوداً ۲۴۰ ساله استیلای صفویان بر ایران به شمار آورد. نویسنده کتاب دکتر اندرو جوزف نیومن استاد تاریخ و ادبیات ایران در دانشگاه ادینبورگ اسکاتلند است. بخش بزرگی از آثار وی به انتشار رسیده است، مربوط به تاریخ دوره صفوی، با توجه ویژه به تحولات فرهنگی و مذهبی این دوره است. با ملاحظه این سابقه، در شایستگی علمی نویسنده برای تألیف یک تک‌نگاری عمومی حول تاریخ ایران در دوره صفوی نمی‌توان تردید روا داشت. از سوی دیگر، گذشت زمانی بیش از دو دهه از انتشار آخرین تحقیق عمومی درباره مسائل کلی تاریخ ایران در دوره صفوی، نیز، انتشار این کتاب را ضروری